



گره‌گشایی با تار و پود قالی

گفت‌وگو با عصمت مربی، کارآفرینی که با تولید نخ و فرش دستباف برای ۵۰ بانوی سرپرست خانوار اشتغال ایجاد کرده است



لیلا جان قربان

دارها در کنار دیوارها سر به سقف کشیده‌اند و از میان نخ‌های سفید دار، گلوله‌های نامنظم و رنگی نخ‌های ابریشم برق می‌زنند. صدای تیک تیک بریدن نخ‌ها با چاقوی زن قالی‌باف مانند چک چک باران دم صبح است که روی شیشه می‌زند، بارانی که این بار از زمین به آسمان می‌بارد، نقش و نگار می‌آفریند و گل و مرغ روی تارهای سفید و بی‌جان دار می‌اندازد. هنر قالی‌بافی هرچند به اندازه هنر خیاطی و بافندگی بین مردم رواج نداشته است، علاقه‌مندان به خود را دارد و افراد چه برای سرگرمی چه برای کسب درآمد سراغ آن رفته‌اند. بسیاری این حرفه را تا نمایش هنر ایرانی در جهان پیش برده‌اند. از قدیم، در محله‌های قدیمی به‌ویژه در حاشیه شهر، همیشه زنان و مردانی بوده‌اند که قالی‌بافی را تجربه و حرفه‌ای از پدران و مادران خود آموخته بودند، هنری که در فرش‌های دست‌باف کلی خانه مادر بزرگ برای تک‌تک ما خاطره آفریده است. این برای بعضی‌ها در حد یک خاطره مانده است و بعضی‌ها مانند عصمت مربی، آن را به یک هنر ماندگار تبدیل کرده‌اند. «از بچگی به تولید علاقه داشتم. هرچه که می‌خواستم بخرم فکر می‌کردم چطور درست شده است تا خودم آن را درست کنم. انواع بافندگی‌ها را انجام می‌دادم، از ژاکت گرفته تا جوراب. دوره‌ای هم سراغ فرت‌بافی رفتم و تولید پارچه را یاد گرفتم ولی بین همه این هنرها از آنجایی که همیشه فرش دست‌باف در خانه جلو چشمم بود، سراغ این هنر رفتم و آن را ادامه دادم.»

با ۲۵ بافنده شروع کردم

او سال ۸۰ سراغ یادگیری فرش دست‌باف می‌رود. در اولین قدم، بافت تابلوفرش را فرا می‌گیرد. «سال ۸۰ آموزش تابلوفرش دیدم. اولین قالیچه را برای خودم بافتم. طرح آن افشان است و هنوز هم در خانه‌ام هست. بعد از آن شروع کردم به آموزش دیگران. دوره‌های ده‌روزه برگزار می‌کردم و کار را به همسایه‌ها، نزدیکان و فامیل یاد می‌دادم. عده‌ای را که به کار علاقه‌مند بودند، توانایی و استعداد داشتند و تمیز و خوب می‌بافتند به کار گرفتم. هم‌زمان مواد اولیه کار را به علاقه‌مندان می‌فروختم و نمایندگی یکی از شرکت‌های فرش دست‌باف را گرفته بودم. روش آموزش را تا جایی که به ۲۵ بافنده ماهر رسیدم ادامه دادم. بعد از آن آموزش را کم کردم و وارد خط تولید شدم. برای ارتباط با اتحادیه و گرفتن مدارک مختلف فنی و حرفه‌ای، سفارش‌های زیادی داشتم. نه تنها از مشهد بلکه از شهرهای دیگر هم فرش و تابلوفرش سفارش می‌گرفتم. سفارش‌ها بیشتر از شهر تبریز بود زیرا من سراغ بافت گره ترک رفته بودم که یک نوع بافت خاص و سفارشی است و مشتری خاص خودش را داشت. این، خود، نوعی بافت صادراتی است. یک جوهرهایی مانند مزون دوزی در کار خیاطی است که سفارشی و تکی است و تولید عمده ندارد. با این روش، به کار ادامه دادیم. موفق هم بودیم و سفارش زیاد داشتیم.»

زیرزمین خانه پدری اولین کارگاه‌ها شد

خانم مربی با بافنده‌هایی که خود دوره‌های قالی‌بافی را به آن‌ها آموزش می‌دهد و معتقد است در کار خود درجه یک هستند وارد بازار کار می‌شود و تولید سفارشی و شخصی بافی را شروع می‌کند. او کار را از بولوار توس و از زیرزمین خانه پدری اش شروع می‌کند. «آنجا سفارش‌ها را انجام می‌دادیم. سی بافنده دائم داشتم. هشت نفری هم موقت می‌آمدند و می‌رفتند. خانم‌هایی که برای کار می‌آمدند همه از همان منطقه بودند ولی از خود فردوسی، میدان فهمیده و جاده سیمان هم چند نفری بافنده می‌آمدند. چند بافنده هم در روستاهای اطراف داشتیم. آن زمان روستای اسماعیل آباد و کرغند قاین کار می‌برد که در خانه انجام می‌دادند. این خانم‌ها بسیار به کار نیاز داشتند. از طرفی هم برای من مهم بود که بافنده‌هایم را راضی نگه دارم. برای همین، همیشه سعی می‌کردم کار و سفارش برای آن‌ها داشته باشم.»

مجبور بودم کار را تعطیل کنم

برای او هم مثل خیلی از تولیدکنندگان نیروی کاری بسیار مهم است و برای حفظ آن‌ها همه تلاش خود را صرف می‌کند. به شرایط بد اقتصادی زمان کرونا که می‌رسد، با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. هرچه دارد می‌فروشد تا کار را تعطیل نکند و چراغ امید کارگران خاموش نشود. «به کرونا که خوردیم، مشکلات زیادی برای من پیش آمد. هرچه را که می‌شد به پول تبدیل کنم فروختم تا کار و بافنده‌ها را حفظ کنم و آن‌ها را از دست ندهم. شرایط بسیار سختی بود. حمایت‌های سازمانی چندانی هم نبود. به جایی رسیده بودم که مجبور بودم کارم را جمع کنم. به ادارات بسیاری مراجعه کرده بودم اما فایده‌ای نداشت تا اینکه جهاد دانشگاهی و مهندس احراری به فریادم رسیدند و با وام‌ها و کمک‌هایی که کردند نجاتم دادند. در کشور ما حرف از حمایت تولید زیاد است ولی وقتی پای عمل به میان می‌آید حمایتی نیست. بانک‌ها سنگ اندازی می‌کنند و سخت‌گیری‌های زیادی برای گرفتن وام دارند. حتی رفتار مناسبی با کارآفرین‌ها ندارند و بی‌قانونی‌های زیادی می‌کنند.»